

نقش گرایش‌های شخصیتی نیمه بالینی تاریک در شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی زنان و مردان: مطالعه مبتنی بر معادلات ساختاری

Role of Subclinical dark personality tendencies in men and women moral cognition and moral identity: a study based on structural equation modeling

*دکتر سهراب امیری^۱، سمیرا قره‌ویسی^۲

Abstract:

The aim of this study was to investigate correlational relationship and draw the path analysis model of dark traits on moral identity and moral cognition. For this purpose, from the statistical population of the Bu Ali sina University students, 421 were selected by using multistage cluster sampling. Then dark triad traits, moral identity and moral cognition questionnaires were distributed among research participants to respond. Collected data were analyzed by using descriptive and correlation indicators, path analysis and independent T test. Results indicated that there are a significant positive correlation between the machiavelism with moral identity

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روابط همبستگی و ترسیم مدل تحلیل مسیر متغیرهای صفات تاریک بر هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی بود. به این منظور، از بین جامعه آماری دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا تعداد ۴۲۱ نفر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. سپس پرسش‌نامه صفات سه‌گانه تاریک، هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی بین شرکت‌کنندگان پژوهش توزیع شد تا پاسخ دهند. داده‌های جمع‌آوری شده به منظور بررسی اهداف پژوهش، با استفاده از شاخص‌های توصیفی، همبستگی، تحلیل مسیر و تی مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که رابطه مثبت معناداری بین

۱. نویسنده مسئول: دکتری روان‌شناسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

Email: Amirysohrab@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

and moral cognition ($p < 0.05$). The negative correlation was obtained between psychopathic trait with moral identity and moral cognition ($p < 0.05$). The path analysis also indicated the positive effect of machiavelism on moral identity and moral cognition, psychopathic trait have negative effect on moral identity and moral cognition. Results not showed any difrences in research variabes in both gender. Overall, results supported this hepotesies that dark traits leads to abnormal moral tendencies in persons with psychopathic tendencies..

Key words: Dark traits, moral identity, moral cognition, path analysis

ماکیاولیسم با شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی ($P < 0.05$) وجود دارد. بین صفت پیسکوپاتی با شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی رابطه منفی معناداری به دست آمد ($P < 0.05$). همچنین الگوی مدلیابی تحلیل مسیر نشان دهنده اثر مثبت صفت ماکیاولیسم بر شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی و همچنین صفت پیسکوپاتی اثر منفی بر شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی بود. نتایج نشان داد که بین دو گروه جنسیتی در این ابعاد تفاوت معناداری وجود ندارد. در مجموع، نتایج از این فرضیه حمایت کرد که صفات تاریک موجب گرایشات منفی اخلاقی در افراد با تمایلات پیسکوپاتیک می شود. واژه های کلیدی: صفات تاریک، هویت اخلاقی، شناخت اخلاقی، تحلیل مسیر

مقدمه

در سال های اخیر، افزایش توجه نسبت به مجموعه ای از صفات نامطلوب به وجود آمده است که به عنوان سه گانه تاریک مورد اشاره قرار می گیرند (آقابابایی و بانچینو، ۲۰۱۵). صفات سه گانه تاریک به سازه های شخصیتی خودشیفته، ماکیاولیسم و سوسیوپات اشاره دارد که مستقل اما مرتبط با یکدیگر هستند (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). این صفات می تواند در طولانی مدت سازگارانه باشند (جانسون، وبستر، اشمیت، لی و کریسل، ۲۰۱۲؛ جانسون، لیون، بنتل و رز، ۲۰۱۳). خودشیفته اشاره به بزرگ نمایی خود، حس بزرگی از خود ارزشمندی، استحقاق، تسلط و برتری دارد (توینگ و کمپل، ۲۰۰۳). تکانشگری، جست و جوی هیجان، فقدان ندامت، اضطراب و فقدان همدلی، سوسیوپاتی را شامل می گردد (پائولوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). در نهایت، ماکیاولیسم بیان کننده بهره کشی از دیگران در جهت منافع خود از طریق اتخاذ سبک بین فردی ناسازگارانه و همچنین رفتارهای برتری طلبانه، عدم صمیمیت و سنگدلی است (جاکوویتز و اگان، ۲۰۰۶).

عامل اصلی مشترک در بین صفات شخصیتی تاریک نقص در تجربه هیجان، بیان شده است (جانسون و همکاران، ۲۰۱۳). پژوهش پیرامون روابط بین پیسکوپاتی و ابعاد هیجانی، از مدل نامتجانس پیسکوپاتی بهره برده است. بر این اساس، پیسکوپاتی شامل دو زیر گروه است: پیسکوپاتی اولیه (شامل خودخواهی، سنگدلی، فقدان عاطفه بین فردی، جذابیت ظاهری و بی‌رحمی) و پیسکوپاتی ثانویه (شامل سبک زندگی و رفتارهای ضداجتماعی) (لونسون، کینل و فیتزپاتریک، ۱۹۹۵). پیسکوپاتی اولیه به طور منفی با هیجان‌ها همبسته است و افراد با نمرات بالای پیسکوپاتی گرایش نزولی به سمت توجه به هیجان‌های خود نشان می‌دهند (مالترر و همکاران، ۲۰۰۸). پیسکوپاتی ثانویه به طور منفی با بهبود خلق مرتبط است و نمرات بالا در پیسکوپاتی ثانویه منجر به اطمینان کمتر نسبت تنظیم خلق و بهبود هیجان‌های منفی می‌شود. محققان، این یافته‌ها را به عنوان شواهدی بیان داشته‌اند که نشان می‌دهد پیسکوپاتی ممکن است بنیانی از نقایص هیجانی باشد که عدم حساسیت نسبت به اطلاعات هیجانی را ایجاد می‌کند (پاتریک و لانگ، ۱۹۹۹). افراد با پیسکوپاتی اولیه بالا، هیجان‌های منفی بیشتری پس از مشاهده محرک غمگین گزارش کردند، در حالی که افراد با پیسکوپاتی ثانویه هیجان‌های منفی پس از مشاهده محرک خنثی نشان دادند (علی، آموریم و چامزو-پرازیک، ۲۰۰۹). صفت ماکیاولیسم به طور مثبت با تجربه عاطفه مثبت ناشی از محرک‌های القاء کننده تجربه عاطفه منفی مرتبط است (علی و همکاران، ۲۰۰۹؛ آستین، فرارلی، بلک و مور، ۲۰۰۷). همانند صفات پیسکوپات و ماکیاولیسم، ارتباط خودشیفتگی با سطوح پایین‌تر همدلی منجر به این دیدگاه گردیده است که صفت خودشیفته ممکن است به لحاظ هیجانی نسبت به دیگران بی‌تفاوت و غیر پاسخ‌گو باشد (واتسون و موریس، ۱۹۹۱). فراتحلیل‌ها با استفاده از مدل پنج عاملی شخصیت (مک‌کرا و کوستا، ۱۹۹۷) نیز نشان داده است که خودشیفتگی به طور نیرومندی با شادی کمتر و هیجان‌های منفی مرتبط است (دنیو و کوپر، ۱۹۹۸؛ اتسیل، اسمیت و شولتز، ۲۰۰۸). افراد با صفات ماکیاولیسم و پیسکوپات زندگی شاد چندانی ندارند و افراد با نمرات بالا در صفت خودشیفتگی اغلب سطوح بالاتر بهزیستی ذهنی به عنوان سازه هیجانی مثبت را گزارش

1. Levenson, Kiehl, & Fitzpatrick
2. Patrick, & Lang
3. A. Amorim, & Chamorro-Premuzic
4. Astin, Farrelly, Black, & Moore
5. Wilson, & Morris
6. McCrae & Costa
7. D. Neve, & Cooper
8. Seel, Schmidt, Shultz

می‌کنند (ایکن، چان و شورتر؛ ۲۰۱۴؛ جانسون، باگمن، کارتر و پارکر؛ ۲۰۱۵؛ نگ، چینگ و تام؛ ۲۰۱۴؛ شدیکس، ریچ، گرج، کیماشیرو و روسبولت؛ ۲۰۰۴؛ زاجنسکووسکی و کازانا؛ ۲۰۱۴).

با توجه به آنچه بیان گردید صفات شخصیتی تاریک توجه پژوهشی بسیاری در سال‌های اخیر جلب کرده و منجر به ایجاد شبکه نظام‌مندی از پژوهش‌ها گردیده است که نشان دهنده نقش ابعاد هیجانی در صفات تاریک شخصیتی است (علی و همکاران، ۲۰۰۹). این صفات برای فرد و جامعه مضر بوده و با تمایلات ضداجتماعی، پرخاشگری، توافق‌ناپذیری، مصرف‌الکل، سیگار و مواد مرتبط هستند (کوالسکی، ۲۰۰۱؛ لی و اشتون، ۲۰۰۵؛ جونز و پاولوس، ۲۰۱۰؛ پالوس و ویلیامز، ۲۰۰۲؛ جونستون، کئوینز و توست، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر صفات سه‌گانه خودشیفتگی، پیسکوپاتی و ماکیاولیسم به عنوان صفات در سطح غیربالینی که در جمعیت‌های عمومی وجود دارند مورد توجه قرار گرفته‌اند. افراد با این صفات شخصیتی تاریک به واسطه عدم توافق، قساوت، نادرستی، دورویی و پرخاشگری مشخص می‌شوند؛ آنها تمایل به زندگی استثمارگرایانه دارند تا زندگی همراه با دلسوزی و توجه به منافع اجتماعی (فورهام، ریچارد و پائوس؛ ۲۰۱۳؛ پابین، دی باکر و واندبوسچ؛ ۲۰۱۵؛ پائوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). با توجه به آنچه بیان شد صفات سه‌گانه تاریک بر ابعاد مختلفی تأثیرگذار هستند و به نظر می‌رسد از عوامل اصلی مؤثر بر میزان برخورداری از ابعاد اخلاقی و به ویژه شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی است.

تعریف هویت اخلاقی دشوار است چه این سازه نقطه تلاقی دو پیشینه غنی و بسیار انتزاعی یعنی هویت و اخلاقی بودن است. در کل هویت اخلاقی به اهمیت اخلاقی بودن برای هویت شخص اطلاق می‌شود (هاردی، بین و اولسن، ۲۰۱۴؛ هاردی و کارلو، ۲۰۱۱الف؛ هاردی و کارلو، ۲۰۱۱ب). برخی صاحب‌نظران در مفهوم‌پردازی هویت اخلاقی، روی آورد اجتماعی-شناختی را اتخاذ کرده‌اند. این روی آورد می‌کوشد انسجام شخصیت و تغییرپذیری آن را برحسب مکانیسم‌ها، ساختارها و فرایندهای پردازش اطلاعات اجتماعی تبیین کند (سرون و شودا، ۱۹۹۹الف). در این روی آورد فرض می‌شود فعال‌سازی بازنمایی‌های ذهنی برای پردازش اطلاعات اجتماعی بسیار مهم است. این بازنمایی‌های ذهنی، دانش موقعیت‌های اجتماعی، بازنمایی‌های خود، دیگران، و رویدادهای آینده، هدف‌ها، باورها

- 1 .Egan, Chan, & Shorter
- 2 .Jonason, Baughman, Carter, & Parker
- 3 .Ng Cheung, Tam
- 4 .Sedikides, Rudich, Gregg, Kumashiro, & Rusbult
- 5 .Zajenkowski, & Czarna
- 6 .Funham, Richards, & Paulhus
- 7 .Abian, De Backer, & Vandebosch

و انتظارات شخصی و دانش انتخاب‌های رفتاری و راهبردهای تکلیف را دربرمی‌گیرند و به اشکال گوناگون به عنوان طرحواره‌ها، پیش نمونه‌ها، طرحواره‌های متنی، طرح‌ها، هدف‌ها و سازه‌های مشابه مفهوم‌پردازی می‌شوند. از دیدگاه اجتماعی-شناختی، هویت اخلاقی شخص به عنوان یک ساختار دانش پیچیده مشتمل بر ارزش‌ها، هدف‌ها، رگه‌ها و طرحواره‌های متنی رفتار در حافظه ذخیره می‌شود (آکینو، فریمن، رید، لیم و فلیس، ۲۰۰۹).

اما با وجود پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای که در تعیین عوامل مؤثر بر مؤلفه‌های اخلاقی صورت گرفته است، نقش ابعاد شخصیتی به ویژه ابعاد مرتبط با میزان برخورداری افراد از هویت و شناخت-های اخلاقی کمتر بررسی گردیده و از سویی دیگر نقش تفاوت‌های جنسیتی چندان مورد توجه قرار نگرفته است هر چند برخی مطالعات به بررسی روابط متغیرهایی چون صفات شخصیتی، نگرش‌های مذهبی و سبک‌های زندگی در ارتباط با ابعاد اخلاقی پرداخته‌اند اما این مطالعات بسیار ناچیز و اندک بوده و نقش متغیر مهم‌تری چون صفات تاریک شخصیتی مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. از این رو حیطة مهمی که در ارتباط با تفاوت‌های فردی در میزان هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی توجه زیادی را در سال‌های اخیر به خود جذب کرده، سازه‌های تاریک شخصیتی فراتر از سازه‌های شخصیتی، خلقی و هیجانی جاری است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر صفات تاریک شخصیتی شامل ماکیاولیسم، خودشیفته و پسیکوپات در میزان هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی تجربه شده و نیز تفاوت‌های جنسیتی در این باره بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به نوع متغیرهای و شیوه گردآوری داده‌ها به طرح‌های توصیفی از نوع همبستگی تعلق دارد. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از میان جامعه آماری دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۹۶ تعداد ۴۲۱ نفر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. میانگین و انحراف معیار سن دختران به ترتیب ۱۹/۷۰ (۱/۸۷) و پسران ۱۹/۹۲ (۱/۷۹) به دست آمد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس سه‌گانه تاریک کوتاه (SD3): مقیاس صفات سه‌گانه شامل ۲۷ ماده و سه زیرمقیاس است. هر یک از سه زیرمقیاس این پرسش‌نامه نیز شامل ۹ ماده است که به منظور ارزیابی سه صفت شخصیتی ماکیاولیسم، خودشیفته و پسیکوپات به کار می‌روند. ماده‌های این مقیاس بر اساس میزان موافقت یا مخالفت شرکت‌کننده با سؤال‌های مقیاس از طریق طیف لیکرت پنج درجه‌ای ۱ (کاملاً

مخالقم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره گذاری می شود. لازم به ذکر است که تهیه کنندگان مقیاس نمره برش جهت صفات سه گانه تاریخ مشخص نساخته اند و به این منظور باید از نمرات استاندارد شده بهره گرفت. در پژوهش جان و پائولوس (۲۰۱۴) دامنه ضرایب آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۷۴ و همچنین همبستگی درونی ۰/۲۲ تا ۰/۴۰ برای زیر مقیاس های این مقیاس به دست آمده است. پژوهشگران این مقیاس را بر روی چندین نمونه جمعیتی وسیع (N=۷۶۸) اجرا کردند. اعتبارسنجی همتا نیز بر روی ۶۵ دانشجو صورت پذیرفت (جان و پائولوس، ۲۰۱۴). زیرمقیاس ها ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۰ در نمونه اعتبار سنجی متقابل نشان دادند (جان و پائولوس، ۲۰۱۴). ضرایب باز آزمایی در بازه زمانی دو هفته ۰/۷۷ تا ۰/۸۴ گزارش شده است (پائولوس و جان، ۲۰۱۱). بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس سه گانه تاریخ در جامعه ایران بیانگر ویژگی های مطلوب این بود، ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس های پسیکوپات، ماکیاولیسم و خودشیفتگی به ترتیب برابر با ۰/۶۹، ۰/۷۱ و ۰/۸۲ به دست آمده است. همچنین ضرایب باز آزمایی برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۳ و ۰/۶۶ گزارش گردیده است که نشان دهنده ثبات مطلوب این مقیاس است (امیری و یعقوبی، ۱۳۹۵).

پرسشنامه هویت اخلاقی (MIQ): این پرسش نامه به منظور سنجش هویت اخلاقی طراحی شده و دارای دو خرده مقیاس صداقت اخلاقی و خود اخلاقی است که به ترتیب شامل ۱۲ و ۸ ماده و در مجموع ۲۰ ماده است که بر اساس طیف لیکرت ۹ درجه ای از کاملاً موافقم (۹) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره گذاری می شود. این پرسش نامه در دو نمونه جمعیتی بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است و نشان دهنده همسانی درونی، پایایی آزمون- بازآزمون و روایی است، که صداقت اخلاقی و خود اخلاقی را مستقل از جهت گیری سیاسی یا جنسیت می سنجد. ضریب آلفای کل پرسش نامه ۰/۹۱ و دو خرده مقیاس صداقت اخلاقی و خود اخلاقی به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۶ به دست آمده است؛ که نشان دهنده ویژگی های روان سنجی مطلوب این پرسش نامه است (بلک و رینولدز، ۲۰۱۶).

مقیاس شناخت اخلاقی (MFDA): این پرسش نامه به منظور سنجش شناخت اخلاقی و نگرش- های طراحی شده و شامل ۲۰ ماده است و برخی ماده های آن دارای نمره گذاری معکوس است و بر اساس طیف لیکرت ۹ درجه ای از کاملاً موافقم (۹) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره گذاری می شوند. ضریب آلفای کل پرسش نامه ۰/۹۸ به دست آمده است؛ که نشان دهنده ویژگی های روان سنجی مطلوب این پرسش نامه است (پیزا و لاندی، ۲۰۱۳).

روش اجرا

1. Moral Identity Questionnaire
2. Black
3. Reynolds
4. Morality Founded on Divine Authority scale
5. Rizza
6. Landy

به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، پژوهش‌گر در بین شرکت‌کنندگان نهایی تحقیق حضور یافته و پس از توضیح فرایند اجرا، پرسش‌نامه صفات تاریک کوتاه، پرسشنامه هویت اخلاقی و نیز پرسش‌نامه شناخت اخلاقی را بین شرکت‌کننده‌ها توزیع نمود تا پاسخ دهند، در حین گردآوری داده‌ها پژوهشگر حضوری فعال داشت تا ضمن پاسخ‌گویی به موارد ابهامی از پاسخ‌دهی تصادفی جلوگیری نماید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS-22 و آماره‌های توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد و تحلیل مسیر از طریق نرم افزار لیزرل نسخه ۸.۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۴۲۱ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، اقتصاد و علوم اجتماعی و فنی مهندسی بودند. از مجموع شرکت‌کنندگان میزان دانشجویان مقطع کارشناسی ۳۸۹ نفر (۹۲/۴٪)، مقطع ارشد و بالاتر ۳۲ نفر (۷/۶٪) بودند. از این میان ۲۴۹ نفر از شرکت‌کنندگان دختر (۵۹/۱٪) و ۱۷۲ نفر (۴۰/۹٪) پسر بودند. در جدول شماره ۱ به ترتیب میانگین و انحراف معیار متغیرهای صفات سه‌گانه تاریک، هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی درج گردیده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار صفات سه‌گانه تاریک، هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی

متغیر	پسر	دختر	کل
	M (SD)	M (SD)	M (SD)
ماکیاولیسم	۳۱/۳۵ (۳/۹۰)	۳۱/۲۸ (۴/۱۲)	۳۱/۳۲ (۳/۹۹)
خودشیفته	۳۰/۳۶ (۳/۹۷)	۲۹/۸۲ (۴/۳۷)	۳۰/۱۴ (۴/۱۴)
پسیکوپات	۲۶/۴۴ (۳/۸۸)	۲۶/۸۶ (۴/۰۰)	۲۶/۶۱ (۳/۹۳)
صداقت اخلاقی	۴۰/۴۱ (۶/۸۳)	۳۹/۲۸ (۶/۸۱)	۳۹/۹۵ (۶/۸۴)
خود اخلاقی	۳۸/۰۱ (۶/۲۰)	۳۷/۶۶ (۶/۱۱)	۳۷/۸۷ (۶/۱۶)
شناخت اخلاقی	۷۲/۷۲ (۱۱/۲۲)	۷۱/۳۰ (۱۰/۹۵)	۷۲/۱۴ (۱۱/۱۲)

پیش از تعیین و ارائه مدل علی و استفاده از تحلیل مسیر، لازم است تا ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش محاسبه شود. جدول شماره ۲ در بر دارنده ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش است.

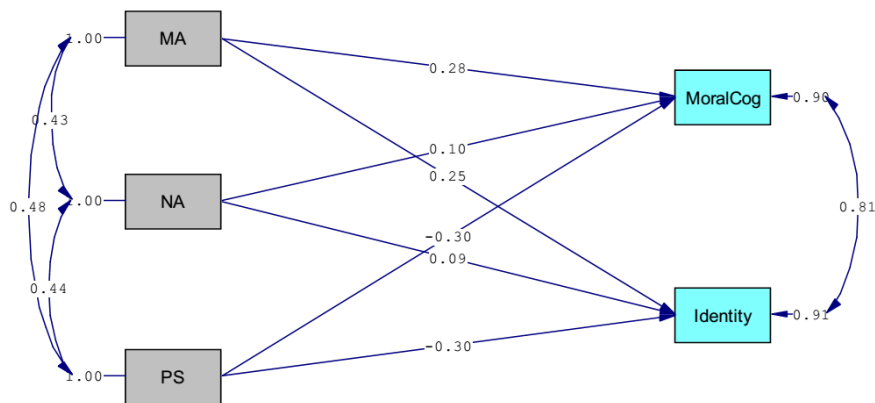
جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
ماکیاولیسم	۱					
خودشیفته	۰/۴۳**	۱				

		۱	۰/۴۴**	۰/۴۸**	پسیکوپات
	۱	-۰/۱۷**	۰/۰۴	۰/۱۲*	صداقت
					اخلاقی
	۱	۰/۳۷**	-۰/۰۵	۰/۰۸	خود اخلاقی
	۱	۰/۵۴**	۰/۹۲**	-۰/۱۲*	شناخت اخلاقی

**= $P < .01$ *= $P < .05$

نتایج جدول شماره ۲ نشان دهنده وجود روابط معنادار بین متغیر مؤلفه‌های صفات تاریک شخصیتی، هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی است. به طوری که رابطه مثبت معناداری بین صفت ماکیاولیسم با شناخت اخلاقی ($P < 0.01$) و همچنین همبستگی مثبت معناداری بین این صفت با دو مؤلفه هویت اخلاقی شامل صداقت اخلاقی و خود اخلاقی ($P < 0.05$) به دست آمد. بین صفت پسیکوپاتی از صفات تاریک با شناخت اخلاقی رابطه منفی معناداری به دست آمد ($P < 0.05$) این رابطه در ارتباط با دو مؤلفه هویت اخلاقی نیز به دست آمد که در ارتباط با مؤلفه صداقت اخلاقی رابطه معناداری نشان داد ($P < 0.01$). با توجه به معنادار بودن تعدادی از روابط بین متغیرها، به منظور آزمون مدل شناخت و هویت اخلاقی از طریق متغیرهای صفات تاریک شخصیتی (ماکیاولیسم، خودشیفته و پسیکوپات) از تحلیل مسیر استفاده شد. نمودار مسیر ۱ نتایج آزمون فرضیه اصلی به روش تحلیل مسیر، را نشان می‌دهد. این نمودار نمایانگر ضرایب مسیر در رابطه علی بین متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های آنها است. همچنین مقادیر اثرات مستقیم متغیرهای صفات تاریک شخصیتی با شناخت و هویت اخلاقی در مدل تحلیل مسیر را می‌توان در جدول شماره ۳ مشاهده کرد.



شکل ۲: نمودار مسیر رابطه صفات تاریک با شناخت و هویت اخلاقی

جدول ۳: مقادیر ضرایب اثر مستقیم صفات تاریک با شناخت و هویت اخلاقی

اثرات مستقیم	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معناداری	اثرات مستقیم	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معناداری
شناخت اخلاقی	۰/۲۸	۵/۰۶	P<0/05	خودشیفته بر هویت اخلاقی	۰/۰۹	۱/۶۷	P>0/05
شناخت اخلاقی	۰/۲۵	۴/۵۵	P<0/05	شناخت اخلاقی	-۰/۳۰	-۵/۳۷	P<0/05
شناخت اخلاقی	۰/۱۰	۱/۹۴	P>0/05	شناخت اخلاقی	-۰/۳۰	-۵/۳۵	P<0/05

همان‌طور که نمودار مسیر ۲ و جدول شماره ۳ نشان می‌دهد صفت تاریک ماکیاولیسم اثر مثبت بر شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی دارد. همچنین صفت پسیکوپاتی اثری منفی بر شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی دارد. اما در صفت خودشیفته هیچ نوع رابطه معناداری یافت نشد. با توجه به معنادار بودن اکثر مسیرهای صفات تاریک و شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی این مدل تأیید می‌شود. باید در نظر داشت که شاخص T معیار سنجش معناداری روابط مستقیم در تحلیل مسیر است و این مقدار در صورتی که بزرگ‌تر و مساوی قدر مطلق ۱/۹۶ باشد روابط معنادار را نشان می‌دهد. همچنان که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد ماکیاولیسم اثری مثبت بر ابعاد اخلاق دارد و پسیکوپات دارای اثر منفی و معناداری است. جهت بررسی مدل نهایی از شاخص‌های برازندگی مدل استفاده شد که نتایج آن در ادامه مشاهده می‌شود. تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار لیزرل سه طبقه از شاخص‌های برازش مدل را ارائه داد (براون، ۲۰۰۶؛ شرمینه/انگل و همکاران، ۲۰۰۳): (۱) شاخص‌های برازش مطلق مانند شاخص مجذور خی و ریشه‌ی استاندارد باقی مانده مجذور میانگین (SRMR)؛ (۲) شاخص‌های برازش ایجاز مانند ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)؛ (۳) شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)؛ (۴) دربارہ نمرات برش دقیق برای شاخص‌های برازش مختلف اختلاف نظر وجود دارد (براون، ۲۰۰۶؛ شرمینه/انگل و همکاران، ۲۰۰۳؛ هاینر و همکاران، ۲۰۰۹؛ هو و بنتلر، ۱۹۹۹؛ تاباچینینگ و فیدل، ۲۰۰۷). شاخص‌های برازندگی هنجار شده (NFI)؛ (۴) برازندگی نسبی (RFI)؛ (۵) و نیکویی

1. Standardized Root Mean Square Residual (SRMR)
2. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
3. Comparative Fit Index (CFI)
4. Normed Fit Index (NFI)
5. Relative Fit Index (RFI)

برازش (GFI) هر چقدر نزدیک به یک باشد بیانگر برازش مطلوب الگو است. در پژوهش حاضر از معتبرترین نمرات برش برای ارزیابی برازش مدل استفاده شد. $SRMR < .08$ نشان دهنده برازش مطلوب و $SRMR < .10$ نشان دهنده برازش قابل قبول و زمانی که $SRMR > .10$ است مدل رد می‌شود (هو و بنتلر، ۱۹۹۹). ارزش شاخص $RMSEA \leq .08$ نشان دهنده مدل خوب، $RMSEA$ بین $.08$ و $.10$ نشان دهنده مدل قابل قبول است. در نهایت $CFI \geq .95$ نشان دهنده برازش خوب مدل است (هو و بنتلر، ۱۹۹۹). به دلیل اینکه آماره X^2 نسبت به اندازه نمونه حساس است، از همین رو میزان X^2 همراه با درجه آزادی (X^2/df) برای ارزیابی برازش کلی مدل محاسبه گردید. میزان $X^2/df < 2$ نشان دهنده برازش خوب مدل و میزان X^2/df پیرامون ۳ نشان دهنده برازش قابل قبول مدل است. میزان X^2/df برابر ۲.۳۶ بود که پیرامون ۲ بوده و بنابراین نشان دهنده برازش مطلوب مدل است. علاوه بر این شاخص برازندگی $SRMR = .05$ نشان دهنده برازش مطلوب مدل بود و شاخص‌های برازش $CFI = .92$ و $RMSEA = .06$ برازش خوب مدل را نشان داد. شاخص‌های برازندگی نشان دهنده برازش مطلوب مدل با داده‌های پژوهشی است، می‌توان نتیجه گرفت فرضیه پژوهشی در این مدل تأیید می‌شود. در ادامه جهت بررسی تفاوت‌های جنسی در متغیرهای از آزمون تی مستقل استفاده گردید. که نتایج آن در جدول ۴ درج گردیده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تی مستقل مقایسه متغیرهای پژوهش در دو جنسیت

متغیر	ارزش آزمون	DF	تفاوت میانگین - خطای	خطای استاندارد	سطح معناداری
ماکیاولیسم	۰/۱۸	۴۱۹	۰/۰۷۲	۰/۳۹	۰/۸۵۵
خودشیفته	۱/۳۱	۴۱۹	۰/۵۳	۰/۴۱	۰/۱۸۹
پسیکوبات	-۱/۰۶	۴۱۹	-۰/۴۱	۰/۳۹	۰/۲۸۸
صداقت اخلاقی	۱/۶۷	۴۱۹	۱/۱۳	۰/۶۷	۰/۰۹۵
خود اخلاقی	۰/۵۶	۴۱۹	۰/۳۴	۰/۶۱	۰/۵۷۰
شناخت اخلاقی	۱/۲۸	۴۱۹	۱/۴۱	۱/۱۰	۰/۱۹۸

نتایج جدول شماره جدول پیرامون مقایسه دو جنسیت در صفات تاریک، هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی نشان داد که بین دو گروه جنسیتی در این ابعاد تفاوت معناداری وجود ندارد

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر روشن ساختن روابط بین صفات سه‌گانه تاریخ شخصیت با ابعاد شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی و نیز بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در صفات سه‌گانه تاریخ و ابعاد اخلاقی بود. در همین راستا بررسی نتایج همبستگی صفات تاریخ و ابعاد اخلاقی نشان داد که رابطه مثبت معناداری بین صفت ماکیاولیسم با دو مؤلفه منفی هویت اخلاقی شامل خود اخلاقی و صداقت اخلاقی وجود دارد؛ همچنین نشان داده شده که صفت پسیکوپات رابطه منفی معناداری با هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی دارد که این روابط در قالب تحلیل مسیر نیز تأیید شد.

صفت پسیکوپاتی شامل جذابیت سطحی، فریب‌کاری، قساوت، نادرستی، فقدان احساس گناه، سطحی بودن عاطفی، تحریک جویی و رفتارهای ضداجتماعی شامل بهره‌گیری از دیگران، دروغ‌گویی، تقلب و ترک روابط است (هاری، ۲۰۰۳). رابطه بین هویت اخلاقی و پسیکوپاتی بسیار نیرومند بود. این نشان می‌دهد که هویت اخلاقی ممکن است عامل مهمی در بررسی این موضوع باشد که چرا افراد پسیکوپات به طور غیر اخلاقی رفتار می‌کنند. به نظر می‌رسد بالا بودن میزان تخلفات اخلاقی در افراد با صفات شخصیتی پسیکوپاتی ناشی از نقص هیجانی در این افراد باشد که منجر می‌شود قادر به درک هیجان و احساسات دیگران نباشند. این یافته همسو با دیدگاهی است که نشان می‌دهد افراد با نمرات بالا پسیکوپاتی، گرایش بیشتری به سمت نشان دادن نقص در ابراز و درک اطلاعات هیجانی دارند. تحقیقات ژنتیک رفتاری پیرامون این روابط نشان داده است که تقریباً تمام همبستگی‌های معنادار در این موارد، قابل اسناد به عامل ژنتیکی مشترک و عامل‌های محیطی غیرمشترک هستند. بدین معنا که این نتایج نشان دهنده همپوشی قابل توجه در ژن‌های مرتبط با توانایی‌های هیجانی و صفات سه‌گانه تاریخ است. از دیدگاه‌های نظری گوناگون، محققان پیش‌بینی می‌کنند که این صفت تاریخ باید دارای نقایص هیجانی باشند. با این حال، به طور غالب روان‌شناسان تکاملی این نتیجه‌گیری را نمی‌کنند که صفات سه‌گانه تاریخ ضرورتاً آسیب‌شناختی هستند و نیازمند درمان. در عوض دیدگاه تکاملی بیان می‌کند که تفاوت‌های فردی بازنمایی‌کننده سیستم‌های منسجم و هماهنگی است که تعقیب اهداف انطباقی را تسهیل می‌سازد (جانسون و همکاران، ۲۰۱۲). به نظر می‌رسد که روابط بین صفات سه‌گانه تاریخ و نقایص هیجانی، نشان دهنده همین باشد. بدین معنا که داشتن سطوح پایین همدلی، توانایی یا انگیزه اندک برای ارتباط دادن هیجان‌های خود با دیگران و پرداختن به هیجان‌ها، تسهیل‌کننده راهبردهای اجتماعی خصومت‌آمیزی باشد که در قالب صفات سه‌گانه تاریخ گنجانده شده‌اند. در واقع جهت‌گیری بیرونی افراد با صفات سه‌گانه تاریخ ممکن است نشان دهنده این باشد که آنهایی که در سه‌گانه تاریخ به ویژه پسیکوپاتی بالا هستند، زمان اندکی را صرف توجه به دنیای درونی خود کرده و در عوض بیشتر بر روی چیزی که از دنیای بیرونی به دست می‌آورند تمرکز کرده‌اند. به عبارت دیگر، صرف زمان زیاد برای نگران بودن درباره احساسات خود یا دیگران ممکن است مانعی برای فرد در تعقیب راهبردهای سریع زندگی باشد که در صفات سه‌گانه تاریخ گنجانده شده است (جانسون و همکاران، ۲۰۱۲؛ مک‌دونالد، دونهلن و نوارت، ۲۰۱۱).

بنابراین افراد با صفات تاریک شخصیتی به دنبال تحقق اهداف و تمایلات خودمحورانه خود بوده و در نتیجه توجهی به دیگران نداشته و صرفاً در جهت بهره‌مندی از دیگران در راستای منافع خود هستند ویژگی‌ای که با توانایی درک و تنظیم هیجان‌های خود و دیگران در تضاد قرار دارد (پتردیس و همکاران، ۲۰۰۷؛ ب؛ کارول، ۱۹۹۳؛ برانیکت و همکاران، ۲۰۰۹) و می‌تواند تبیین‌کننده نقص در ابعاد اخلاقی و به ویژه هویت اخلاقی در افراد با تمایلات پسیکوپاتیک باشد.

یافته‌های گزارش شده در پژوهش حاضر از داده‌های خود گزارشی به دست آمده است؛ نیازمند این می‌باشد که مطالعات آینده داده‌های خودگزارشی را با سایر داده‌های به دست آمده از طریق ابزارهایی مانند گزارش‌های غیررسمی و همچنین مصاحبه‌ها مقایسه کرده و آنها را در مقیاس بزرگ‌تر و نمونه‌های جمعیتی مختلف بیازمایند. پژوهش حاضر بر روی جامعه دانشجویان صورت پذیرفت. بنابراین پیشنهاد می‌گردد تا پژوهش‌های مشابهی از منظری تطبیقی بر روی گروه‌های سنی دیگر شامل نوجوانان و بزرگسالان صورت گیرد. همچنین با توجه به اینکه صفات سه‌گانه تاریک می‌تواند با ابعاد شخصیتی و روان‌شناختی گوناگون مرتبط باشد، بنابراین، مطالعه این ابعاد مختلف به نظر می‌رسد در ایجاد و گسترش دیدگاه‌های نظری و تجربی پیرامون صفات شخصیتی تاریک با سازه‌های دیگر مانند رفتارهای اجتماعی و نظریه‌های شخصیتی سودمند باشد. همچنین باید توجه داشت که پژوهش حاضر بر روی جمعیت بهنجار صورت گرفت؛ بنابراین در تعمیم نتایج حاصل از آن به سایر گروه‌های جمعیتی و بالینی باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

منابع فارسی

امیری، سهراب و یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۵). ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سه‌گانه تاریک شخصیت. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۶(۱): ۹۷-۷۷.

Reference

- Aghababaei, N., & Blachnio, A. (2015). Well-being and the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 86, 365-368.
- Ali, F., Amorim, I. S., & Chamorro-Premuzic, T. (2009). Empathy deficits and trait emotional intelligence in psychopathy and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences*, 47, 758-762.
- Austin, E. J., Farrelly, D., Black, C., & Moore, H. (2007). Emotional intelligence, Machiavellianism and emotional manipulation: Does EI have a dark side? *Personality and Individual Differences*, 43, 179-189.
- Black, J. E & Reynolds, W.M. (2016). Development, reliability, and validity of the Moral Identity Questionnaire. *Personality and Individual Differences* 97 (2016) 120-129.
- Brannick, M. T., Wahi, M. M., Arce, M., Johnson, H. A., Nazian, S., & Goldin, S. B. (2009). Comparison of trait and ability measures of emotional intelligence in medical students. *Medical Education*, 43(11), 1062-1068.

- Brown T. (2006). **Confirmatory factor analysis for applied research**. New York: Guilford Press.
- Carroll, J. B. (1993). **Human cognitive abilities: A survey of factor-analytic studies**. New York: Cambridge.
- DeNeve, K. M., & Cooper, H. (1998). The happy personality: A meta-analysis of 137 personality traits and subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 124(2), 197–229.
- Egan, V., Chan, S., & Shorter, G. W. (2014). The Dark Triad, happiness and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 67, 17–22.
- Furnham, A., Richards, S. C., & Paulhus, D. L. (2013). The Dark Triad of personality: A 10 year review. *Social and Personality Psychology Compass*, 7, 199–216.
- Hair JF, Black WC, Babin BJ, Anderson RE. (2009). **Multivariate data analysis**. Prentice Hall.
- Hare, R. D. (2003). **Hare Psychopathy Checklist-Revised (PCL-R): 2nd Edition**. Toronto: Multi-Health Systems, Inc.
- Hu L, Bentler P. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary J*; 6(1):1-55.
- Jakobwitz, S., & Egan, V. (2006). The Dark Triad and normal personality traits. *Personality and Individual Differences*, 40, 331-339.
- Jonason, P. K., Baughman, H. M., Carter, G. L., & Parker, P. (2015). Dorian Gray without his portrait: Psychological, social, and physical health costs associated with the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 78, 5–13.
- Jonason, P. K., Koenig, B., & Tost, J. (2010). Living a fast life: The Dark Triad and Life History Theory. *Human Nature*, 21, 428–442.
- Jonason, P. K., Lyons, M., Bethell, E., & Ross, R. (2013). Different routes to limited empathy in the sexes: Examining the links between the Dark Triad and empathy. *Personality and Individual Differences*, 57, 572–576.
- Jonason, P. K., Webster, G. D., Schmitt, D. P., Li, N. P., & Crysel, L. (2012). The antihero in popular culture: A life history theory of the Dark Triad. *Review of General Psychology*, 16, 192–199.
- Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2010). Different provocations trigger aggression in narcissists and psychopaths. *Social Psychological and Personality Science*, 1, 12–18.
- Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2014). Introducing the Short Dark Triad (SSD3): A brief measure of dark personality trait. *Assessment*, 21(1):28-41.
- Kowalski, R. M. (Ed.). (2001). *Behaving badly: Aversive behaviors in interpersonal relationships*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2005). Psychopathy, Machiavellianism, and narcissism in the Five-Factor Model and the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 38, 1571-1582.

- Levenson, M. R., Kiehl, K. A., & Fitzpatrick, C. M. (1995). Assessing psychopathic attributes in a noninstitutionalised population. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 151–158.
- Malterer, M. B., Glass, S. J., & Newman, J. P. (2008). Psychopathy and trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 44, 735-745.
- McCrae, R. R., & Costa, P. T. J. (1997). Personality trait structure as a human universal. *American Psychologist*, 52(5), 509–516.
- McDonald, M. M., Donnellan, M. B., & Navarrete, C. D. (2011). A life history approach to understanding the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 52, 601–605
- Ng, H. K. S., Cheung, R. Y. H., & Tam, K. P. (2014). Unraveling the link between narcissism and psychological health: New evidence from coping flexibility. *Personality and Individual Differences*, 70, 7–10.
- Pabian, S., De Backer, C. J. S., & Vandebosch, H. (2015). Dark Triad personality traits and adolescent cyber-aggression. *Personality and Individual Differences*, 75, 41–46.
- Patrick, C. J., & Lang, A. R. (1999). **Psychopathic traits and intoxicated states: Affective concomitants and conceptual links**. In M. E. Dawson, A. M. Schell, & A. H. Boehmelt (Eds.), *Startle modification: Implications for neuroscience, cognitive science, and clinical science*. New York: Cambridge University Press.
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The Dark Triad of personality: Narcissism, machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36, 556–563.
- Petrides, K. V., Pérez-González, J. C., & Furnham, A. (2007). On the criterion and incremental validity of trait emotional intelligence. *Cognition & Emotion*, 21, 26-55.
- Piazza, J & Landy, J. F. (2013). “Lean not on your own understanding”: Belief that morality is founded on divine authority and non-utilitarian moral judgments. *Judgment and Decision Making*, Vol. 8, No. 6, November 2013, pp. 639–661.
- Schermelleh-Engel K, Moosbrugger H, Müller H. (2003). Evaluating the fit of structural equation models: Tests of significance and descriptive goodness-of-fit measures. *Meth Psychol Res* 2003; 8, 23-74.
- Sedikides, C., Rudich, E. A., Gregg, A. P., Kumashiro, M., & Rusbult, C. (2004). Are normal narcissists psychologically healthy? Self-esteem matters. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(3), 400–416.
- Steel, P., Schmidt, J., & Shultz, J. (2008). Refining the relationship between personality and subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 134(1), 138–161.
- Tabachnick B, Fidell L. (2007). **Using multivariate statistics**. Boston: Pearson/Allyn & Bacon.

- Twenge, J. M., & Campbell, K. W. (2003). "Isn't it fun to get the respect that we're going to deserve?" Narcissism, social rejection, and aggression. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 261–272.
- Watson, P. J., & Morris, R. J. (1991). Narcissism, empathy and social desirability. *Personality and Individual Differences*, 12, 575-579.
- Zajenkowski, M., & Czarna, A. Z. (2014). What makes narcissists unhappy? Subjectively assessed intelligence moderates the relationship between narcissism and psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 77, 50–54.

